

# عاقبت عاقبت‌نیندیشی در سیاست

## احمد زیدآبادی

سخنان آیت‌الله صافی در دیدار با محمدباقر قالیباف و اکنش‌های زنجیره‌واری پیدا کرده است که به‌رغم درخواست دادستان کل کشور برای خاتمه آن، به این زودی پایان نخواهد یافت. درخواست آیت‌الله صافی برای پایان قهر جمهوری اسلامی با دیگر کشورها به منظور بهبود وضع معیشتی مردم، قاعدتا می‌توانست توسط همه نیروهای مخالف این پیشنهاد، نادیده گرفته شود؛ چنانکه برخی رسانه‌های طیف تندروتر اصولگرایی همین کار را کردند تا بلکه سخنان آقای صافی بازتاب لازم را پیدا نکند و به سرعت به محاق فراموشی سپرده شود. با این حال، طیفی از نزدیکان جبهه پایداری توان خویشتنداری و سکوت و نادیده‌انگاری را در این باره از دست دادند و با لحنی که در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی در خطاب قرار دادن «مراجع مورد تایید نظام» نامتعارف و «اها نت‌آمیز» تلقی می‌شود، پیشنهاد آیت‌الله را به شدت مورد نقد و نکوهش قرار دادند. به نظرم، دلیل این ماجرا بیش از ناشکیبایی و نابردباری معمول این طیف سیاسی در برابر اظهارنظرهای مغایر علایق سیاسی خود است و علت اصلی آن را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. واقعیت این است که جریان نزدیک به جبهه پایداری در سال‌های اخیر خود را به عنوان سرسخت‌ترین نیروی مخالف برجام و پیامدهای پذیرش و اجرای آن نشان داده است. آنها از مخالفت با برجام نه فقط یک ایدئولوژی هویت‌ساز برای خود بر ساخته‌اند، بلکه ظاهراً در سایه این مخالفت منافع سیاسی ویژه‌ای را هم برای خود تعریف کرده و دنبال می‌کنند. گمان آنها علی‌الظاهر بر این بود که با پایان ریاست‌جمهوری حسن روحانی، عمر برجام نیز به سر رسیده است و دولت ابراهیم ریسی در حوزه سیاست خارجی در جهت منویات این جریان حرکت خواهد کرد. به خلاف انتظار آنان اما آقای ریسی و دستگاه وزارت خارجه او علیه اصل برجام موضعی نگرفته‌اند و اجرای به آن را چنانچه به لغو تحریم‌های اقتصادی امریکا علیه کشور بینجامد، در دستور کار خود قرار داده‌اند. روشن است که اگر برجام احیا و در مسیر اجرا و تعهد متقابل قرار گیرد، رابطه تهران- واشنگتن از وضعیت تشنج فزاینده خارج و راه برای نوعی تعامل مسالمت‌آمیز بین دو کشور هموار می‌شود. این اما درست همان چیزی است که نیروهای نزدیک به جبهه پایداری آن

را خلاف ایدئولوژی خودساخته و منافع سیاسی خود می‌دانند و با تمام قوا می‌کوشند راه آن را به هر طریقی سد کنند. در حقیقت به دلیل همین نگرانی است که برخی از آنان در برابر سخنان آیت‌الله صافی رسم احتیاط را کنار گذاشته و با نوعی بی‌پروایی غیرمعمول در فضای رسمی سیاسی کشور، آیت‌الله را به باد انتقاد گرفتند. ظاهراً تصور آنها بر آن است که تاکید آیت‌الله صافی بر ضرورت پایان قهر با کشورهای جهان، موضع طرفداران احیای برجام و تعامل با امریکا را در مقابل طیف خودشان تقویت می‌کند و زمینه‌ساز حرکت سریع‌تر دولت ریسی به سمت احیای برجام می‌شود. از این‌رو، آنها با انتخاب لحنی گزنده علیه آیت‌الله صافی درصدد ارسال این پیام به دیگر چهره‌های حامی تشنج‌زدایی در روابط خارجی برآمدند که در این مورد خاص اصطلاحاً با کسی تعارف و شوخی ندارند و حتی اگر مرجع تقلید سالخورده‌ای در سطح آقای صافی نیز اشاره‌ای به این موضوع داشته باشد، بدون درنگ و ملاحظه با او برخورد می‌کنند. با این همه، بی‌احتیاطی نزدیکان پایداری تاکنون نتیجه عکس به دنبال داشته است؛ به طوری که بسیاری از سران حوزه با دفاع همه‌جانبه از آیت‌الله صافی نه فقط مرعوب آنان نشده‌اند، بلکه با دستور دادستان کل کشور برای تعقیب قضایی آنها ماجرا وارد مرحله‌ای تازه شده است. واضح است که دولت ریسی هر گامی که به سمت احیای برجام بردارد، خشم نزدیکان به جبهه پایداری بیشتر برافروخته می‌شود. آنان اما در حال حاضر نمی‌خواهند و نمی‌توانند خشم خود را متوجه دولتی کنند که مورد حمایت آنهاست و برخی پست‌ها را نیز به نزدیکان آنان سپرده است. بنابراین آنها می‌کوشند تا در این مورد به‌زعم خود پای «غرب‌گرایان» را وسط بکشند و گرایش روزافزون به احیای اصل برجام در دستگاه دولت و روحانیون بلندپایه را به توطئه پشت‌پرده اعضای دولت روحانی و برخی اصلاح‌طلبان نسبت دهند و خشم خود را بر سر آنان خالی کنند. این آدرس‌های اشتباه اما راه به جایی نمی‌برد. در حال حاضر ریش و قیچی برجام در دست دولت مورد حمایت آنهاست. اگر دولت تصمیم به احیای برجام بگیرد، دیگر غرب‌گرایان را مسبب آن معرفی کردن همچون نعل وارونه‌ای است که همگان از وارونگی آن اطلاع دارند و در ردیابی آن دچار گمراهی نمی‌شوند. بنابراین طیف نزدیک به پایداری و همفکران آنها برای تداوم وضع موجود و استمرار تحریم‌ها، مجبورند دولت ریسی را به هر قیمتی از احیای برجام باز دارند. اگر آنها در این تلاششان ناکام بمانند آنگاه یا باید ایدئولوژی خودساخته خود را رها کنند و با شرایط جدید همراه شوند یا با تمام قوای خود درصدد مخالفت با دولت ریسی و کارشکنی در مسیر آن برآیند. هرکدام از این دو مورد نیز برای آنان دردناک است!

این است عاقبتِ عاقبت‌نیندیشی در سیاست!

□□□□□□ 1400 □□□□ 11 □□□□□□ □□□□□□:□□□□